

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

حزب کار ایران – توفان

۲۱ فبروری ۲۰۱۴

## خصوصی سازی صنایع نفت ملی شده ایران

### خیانت به منافع ملی است

روح آیت الله کاشانی بر توافقنامه زبونانه ژنیو حاکم است. روحانیت بار دیگر خیانت تاریخی خویش را نسبت به منافع ملی ایران از زمان قراردادهای گلستان و ترکمنچای به معرض نمایش گذارد. روحانیت همیشه ارتجاعی بوده است و ربطی به این فرد مترقی روحانی و یا آن فرد انقلابی در درون روحانیت ندارد. روحانیت به عنوان نماد دین در تمامیت خویش ارتجاعی و ضد انقلابی است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی که بعد از انقلاب شکوهمند بهمن به علت حضور میلیونی مردم در صحنه و فضای ضد امپریالیستی و شور و شوق انقلابی به تصویب رسیده است و با روح استقلال طلبانه و قطع دست امپریالیستها به رشته تحریر در آمده است، می خوانیم: " اصل ۴۴- نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفون، هواپیمائی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیت های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جائی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می کند."

مضمون این سخنان روشن است و هر چند "مقام معظم رهبری" آن را در جهت منافع سرمایه داران خصوصی تفسیر خودسرانه کرد، ولی از این اصل چنین بر نمی آید که مردم ایران باید بر معادن و ذخایر و ثروتهای ملی ایران چشم پوشیده و آنها را در اختیار امپریالیستها بگذارند. از این تفسیر چنین بر نمی آید که اصل ملی کردن صنعت نفت ایران باطل شده و نفت ایران متعلق به امپریالیستها و ابر شرکتهای خصوصی امپریالیستی است.

در دو اصل دیگر قانون اساسی می آید: "عهدنامه ها، مقاله نامه ها، قراردادها و موافقت نامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد." و یا در تحت عنوان "اصل ۱۲۵- قراردادها و توافق نامه های بین المللی" می آید: "امضای عهدنامه ها، مقاله نامه ها، موافقت نامه ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت ها و همچنین امضای پیمان های مربوط به اتحادیه های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی او

است". این اصول بی نیاز از تفسیر است و نشان می دهد که نمی شود منابع ملی ایران را به کنسرنهای امریکائی فروخت و پولش را به رفیق دوستها و زنجانی ها و خاوری ها و... داد. این منابع به ملت ایران تعلق دارد و نه به هیأت حاکمه.

توافقنامه خفت آور ژنیو که تسلیم بلا شرط جمهوری اسلامی فقط برای بقای خود و به ضرر منافع ملی ایران بسته شده است، همانگونه که حزب ما پیش بینی می کرد، اختلافات ایران با امریکا تنها بر سر مسأله هسته ئی ایران نبود. حقیقت این است که "بمب اتمی" ایران همواره بمبی موهومی بود و عامل فشاری برای تسلیم ایران به امپریالیستها مورد سوء استفاده قرار می گرفت و بخشی از اپوزیسیون "انقلابی" ایران نیز در خدمت امپریالیسم به کار گرفته شده بود. نیت امپریالیسم در آن بود که جای پای محکمی در ایران مانند زمان شاه باز کند و ثروتهای ملی ایران را چپاول کند. توافق در مذاکرات هسته ئی برای امپریالیسم امریکا توافق بر سر یک بسته از خواستههای شوم امپریالیستی بود که در درون این جعبه پنهان شده بود. به تدریج که این مذاکرات به نتیجه رسیده است، محتوی این بسته به روی میز می آید و گزینه های نظامی اوباما به زیر میز می رود و اپوزیسیون فریب خورده و یا خودفروخته ایران نیز لب در کام کشیده و مدعی است این مسایل اصلاً به اپوزیسیون ایران مربوط نبوده است.

در حالی که رژیم جمهوری اسلامی هنوز در باره محتوای این توافقات سکوت اختیار می کرد و می کند و رسانه های ایران سخنی بر زبان نمی آوردند و نمی آورند، مطبوعات غربی پاره ای از این توافقات پشت پرده را رو کردند. همین سکوت مقامات ایرانی در مورد بندهای مورد توافق با امریکا، نشانه ترس آنها از خشم مردم ایران و خیانتی است که تنها برای حفظ و بقای رژیم آخوندی به آن دست زده اند.

رژیم جمهوری اسلامی **نفت ملی شده ایران را به صورت خصوصی** در آورده و در اختیار کمپانی های امپریالیستی قرار می دهد. از این به بعد ابر شرکتهای خصوصی بر استخراج و تولید نفت ایران و صنایع پتروشیمی ایران نظارت می کنند. این یکی از خواستههای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی است که نقشه غارت ایران و استقرار فقر و فلاکت در میهن ما را در صدر برنامه های خود قرار داده اند. در همان آغاز کار رسانه های گروهی در ایران اعلام داشتند:

"بر اساس گزارش خبرگزاری رویترز: "ایران اعلام کرده که خواهان بازگشت ۷ شرکت فعال در زمینه انرژی شامل شل، توتال، انی، او. ام. وی. و استات اویل از اروپا و شرکت های بزرگ امریکائی همچون اکسون موبیل و کونوکو فیلپس است.

شرکت های خودروسازی رنو و پژوی فرانسه نیز در ماه نومبر در کنفرانس خودرو در ایران شرکت کردند. این در حالی است که ناوگان فرسوده حمل و نقل هوائی ایران ممکن است پیشنهادهائی را به شرکت های بوئینگ و ایرباس ارائه کند.

یک کارشناس ایرانی مقیم وین گفت، انگار در تهران طلا کشف شده است. روسیه و چین در حال رقابت برای انعقاد قراردادهای نفت در برابر کالا با ایران هستند، قبل از این که شرکت های غربی با تکنولوژیی که ایران به شدت به آن نیاز دارد، به آنجا برسند.

وی افزود: «ما اکنون در حال دریافت درخواست هائی از تعداد زیادی از مشتریان قدیمی و برخی مشتریان جدید هستیم.»

مقامات ایرانی می خواهند رقابتی را بین شرکت های اروپائی و در نهایت شرکت های امریکائی برای انعقاد بهترین قراردادها ترتیب دهند. اما اکثر این قراردادها زمانی می توانند به امضاء برسند که ایران و غرب به توافق نهائی دست یابند.

یک مقام ارشد دولتی که نخواست نامش فاش شود گفت: «شرکت های امریکائی از تولیدکنندگان خودرو گرفته تا شرکت های سازنده هواپیما بسیار مشتاق ورود به بازار ایران هستند.» وی افزود: «آنها در حال آماده کردن زمینه برای زمانی هستند که تحریم ها به طور کامل برداشته شود.»

در میان مستعدترین بخش ها برای حضور در بازار ایران در کوتاه مدت، خودروسازان، شرکت های پتروشیمی، مواد غذایی و کالاهای مصرفی قرار دارند. در حالی که فعالیت ها در زمینه تولید نفت و گاز و تکنولوژی و هواپیما در چشم انداز دورتری قرار دارند.

ولی این تازه مثنی از خروار بود. فاجعه ای که اتفاق افتاده است و ابعاد آن روز به روز بیشتر نمایان می شود از این عمیقتر است. رژیم جمهوری اسلامی بهترین قراردادهای تحمیلی و استعماری را از میان مجموعه قراردادهای استعماری انتخاب می کند. سخن بر سر غارت است و نه آبادانی ایران و آسایش مردم میهن ما. ابر شرکتها بر سر تحمیل قراردادهای استعماری و چسباندن زالوهای مکنده به بدن نحیف ایران رقابت می کنند. آنها می خواهند با رشوت و فشار بهترین سهم غارت را ببرند. سخن بر سر تأمین منافع مردم ایران نیست، سخن بر سر صنعتی کردن ایران نیست، بر سر مستعمره کردن ایران است. باید به این عوامفریبی "اصلاح طلبان" و "اصولگرایان" خاتمه داد.

نشریه زود دویچه سائیتونگ المانی در شماره ۲۰ مؤرخ ۲۶/۲۵ ماه جنوری سال ۲۰۱۴ در تحت عنوان کنایه آمیز "ملاقات با دشمن طبقاتی" برده از همدستی نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی با امپریالیستها بر می دارد و دست آنها را رو می کند.

"رئیس جمهور ایران حسن روحانی نیز از بازدیدش در داووس به منزله نشست تبلیغاتی برای اقتصاد کشورش استفاده کرد. ایران قصد دارد به ده قدرت بزرگ اقتصادی تعلق داشته باشد. آری در سیاهه ای قرار گیرد که چین و هندوستان بر روی آن قرار دارند. در عین حال وی به عنوان منتقد سرمایه داری افسارگسیخته ظاهر می شود و در سخنرانی اش می گوید: "بحران مالی نشان داد که همه ما در قایق واحدی نشسته ایم". (کدام قایق واحد؟ سرنوشت ملت ایران به سرنوشت امپریالیسم گره نخورده است- تکیه همه جا از توفان).

خواست روحانی که درهای کشور را بگشاید، بر روی سرمایه داران المان نیز مؤثر است. یک رئیس کنسرن المانی می گوید که سخنان روحانی بر وی تأثیر گذاشته است. در عین حال برایش جالب بود که روحانی چگونه مرتب لبخند بر لب داشت. به نظر من نشانه خوبی است. علیرضا رودسری رئیس شرکت آریا انترناسیونال در هامبورگ، شرکتی برای تجارت با سنگ آهن در عرصه جهانی، نیز بر این نظر بود که: "این واقعاً با همکار قبلی اش احمدی نژاد تفاوت اساسی داشت". "تنها بیان شادباشش را با عبارت خانمها و آقایان، در مقابل حاضران غربی کسی تا کنون نشنیده بود".

رودسری ۴۰ ساله متولد ایران است و تا سیزده سالگی زندگی اش را در ایران به سر برده است. وی روحانی را می شناسد و با وی چندین بار در زمانی که وی در هامبورگ بود، قبل از ریاست جمهوری اش دیدار داشته است. روحانی همیشه خواهان تغییر در ایران بوده است. "اما این در عرض شش تا هشت ماه اتفاق نمی افتد به دو سه سالی نیاز دارد". تا سه سال قبل آقای رودسری خودش در ایران به تجارت مشغول بود و دلش می خواهد که این کار را دوباره انجام بدهد. وی امیدوار است که اروپائیا تحریمهای اقتصادی را کاهش دهند. "این به ایران - و به بسیاری شرکتهای المانی از جمله در بخش تأسیسات صنعتی و ماشین آلات که سابقاً در آن عرصه نفوذ داشتند، کمک می کند.

رئیس جمهور ایران بعد از سخنرانی اش در زیرزمینهای مرکز کنگره غیب شد. در آغاز بعد از ظهر، وی و وزیر نفتش با ۳۰ نفر از رؤسای شرکتهای از جمله رؤسای شرکتهای نفت، فولاد و بانکها به دور از چشم مردم در اطاق مذاکرات گرد آمدند. رؤسای شرکتهای انرژی می خواهند بدانند که آیا ایران می خواهد واقعاً استخراج نفت را

خصوصی کند. یکی از آنها اشاره می کند که قانون اساسی ایران این عمل را در واقع ممنوع کرده است. وزیر نفت پاسخ می دهد وابسته به این است که قانون اساسی را چگونه تفسیر کنیم.

رئیس شاخص بورس المان(داکس) گفت: "اگر تنها نصف آن چیزهایی را که روحانی می گوید صحت داشته باشد، آنوقت ما با یک مانع زدائی روبه رو هستیم". دورنمای گشایش ایران خیلی ها را با معامله با ایران امیدوار ساخته است، طوری که یک مدیر برجسته یکی از بزرگترین بانکهای جهان گفت: "من شدیداً خوش بین هستم که بعد از این نشانی، چیزی عوض شود. ایران برای شرکت ما از ظرفیت بالقوه عظیمی برخوردار است." (تکیه همه جا از توفان).

حزب کار ایران(توفان) "توافقنامه ژنیو" را یک تسلیم نامه استعماری به ضرر خلقهای ایران می داند. حزب کار ایران(توفان) هرگز این پیمان استعماری را به رسمیت نمی شناسد. حزب ما بر آن است که این خیانتها هنوز از نتایج سحر است و به احتمال بسیار قوی توافقهای اسارت آوردیگری نیز به انجام رسیده است که به تدریج برملا خواهد شد. مردم ایران و همه مارکسیست لنینیستها، نیروهای انقلابی و ملی و دمکراتیک و مترقی و آزادیخواه ایران انزجار خویش را از انعقاد چنین قرارداد ضد ملی و نو استعماری ابراز داشته و آن را محکوم می کنند. راهی را که رژیم سرمایه داری و ضد مردمی جمهوری اسلامی بر گزیده است، راهی است که ایران را ویران تر و به زائده امپریالیسم جهانی و به کشوری تحت سلطه بدل خواهد کرد.

حزب کار ایران(توفان) قاطعانه از پیکارکارگران و زحمتکشان و همه آحاد مردم ایران برای کسب آزادیهای سیاسی و اجتماعی و حقوق دمکراتیک دفاع می کند و بر پیوند این مبارزه با مبارزه همه اقشار و طبقات ضد امپریالیسم، علیه نفوذ امپریالیسم و قراردادهای استعماری پای می فشارد. اتحاد عملهای متنوع نیروهای سیاسی در دفاع از دمکراسی و حقوق دمکراتیک و آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و... بدون جهت گیری روشن علیه امپریالیسم و محکومیت قراردادهای ضد ملی و ضد منافع خلقهای ایران، کژراهه رفتن و به نفع نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی و خاک در چشم مردم پاشیدن است و بس. تنها با چنین دورنمایی است که می توان همکاریهای سیاسی مشترکی را سامان داد، به نیرو تبدیل شد و در صف مقدم مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی قرار گرفت.

#### حزب کار ایران(توفان)

۲۹ بهمن [دلو] ۱۳۹۲

\*\*\*\*

<http://rahetoufan67.blogspot.se>

<http://kanonezi.blogspot.se/>

<http://www.kargareagah.blogspot.se/>

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت آرشیو نشریات توفان

[http://toufan.org/nashrie\\_tofan%20archive.htm](http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm)

توفان در توییتر

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>